

## یادداشتی در باره مهر و زمان او

از دکتر م. مقدم

استاد زبان‌شناسی در دانشگاه تهران

از شمال جزیره انگلیس تالبه صحرای افریقا، در سراسر اروپای غربی و شرقی، و گرداگرد دریای مدیترانه، بویژه در شهر رم و پیرامون آن بازمانده‌های مهرابه‌ها یا پرستشگاههای دین مهری پیدا شده است و هر ساله آثار دیگر و مهرابه‌های تازه‌ای از زیر خاک (بیشتر از زیر کلیساهای کهنه) بیرون می‌آید. امروزه آشکار شده که از سده دوم پیش از میلاد دین مهری در امپراتوری روم پیروان بسیار داشته و سپس به صورت مهمترین دین امپراتوری درآمده و تا چند سده مقام خود را حفظ نموده است. (دین «پگانی» *paganism* یا «بغانی» همان دین مهر، و «بغ» عنوان مطلق مهر است.) فقط پس از کشمکش بسیار و شدید بود که از سده چهارم میلادی دین عیسوی توانست تا حدی جای دین مهری یا مسیحائی را بگیرد، ولی رسم و آئین و معتقدات و اصطلاحات دینی و طرز حکومت کلیسایی و معماری و هنرها و لباسها و نشانها و نمادها و گاه شماری و موسیقی و همه چیزهای اساسی کلیسای غربی از دین مهری به عاریه گرفته شده یا بر پایه‌های آن بنیاد گذاشته شده است. تا اینجا تاریخ‌نویسان و پژوهندگان کم و بیش همداستان هستند.

در این که خاستگاه دین مهری ایران است نیز هیچ گونه شک و تردید نداشته‌اند، ولی پنداشته‌اند که دین مهر از ستایش ایزد باستانی ایرانی مهر سرچشمه گرفته که سرودی در ستایش او در اوستا نیز هست، و این ایزد و رسم و آئینی که در ستایش

---

۱- در باره مهرابه هائی که در آسیا از هندوستان تا مدیترانه تا کنون پیدا شده و کاوشهای اخیر نزدیک عشق آباد و در افغانستان و مهرابه بزرگ پیشاپور نزدیک کازرون (مسجد سرگاو) و مهرابه کنگاور و دورا-اوروپوس و جاهای دیگر، و همچنین مهرابه هائی که در دوره اسلامی به صورت مسجد (محراب) در آمده (مسجدهای جامع کهنه که میگویند آتشکده بوده) و بازمانده‌های دیگر مهری بردسیهائی انجام گرفته که بابدست آمدن فرصت درباره آنها گفتگو خواهیم کرد.

راز آمیز او در میان ایرانیان روائی داشته طرف توجه رومیها واقع شده و سربازان رومی دین مهری را در سراسر امپراتوری روم پخش کرده‌اند.<sup>۲</sup>

پژوهشهای اخیر ذ. بهروز پرده از روی این راز بزرگ تاریخ دین و فرهنگ برداشت. (نگاه کنید به ذ. بهروز: تقویم و تاریخ در ایران، از رصد زردشت تا رصد خیام، زمان مهر و مانی، شماره ۱۵ ایران کوده، تهران ۱۳۳۱). اکنون میدانیم که مهر، که دین او سراسر جهان باستان را در دوره شاهنشاهی اشکانیان فرا گرفت، و تحول ژرفی در دین و فرهنگ و هنر پدید آورد که آغاز دوره نوینی در تاریخ بشر بود،<sup>۳</sup> شخصی بوده است که در خراسان در سال ۵۱ اشکانی (برابر با ۲۷۱ پیش از میلاد) شب یکشنبه (یکشنبه ۲۵ دسامبر) زائیده شده، در ۲۴ سالگی مبعوث شده، چهل سال در میان مردم به دعوت<sup>۴</sup> پرداخته، و روز دوشنبه<sup>۵</sup> چهارم شهریور ماه نزدیک نیمشب (برابر با ۲۰۸ پیش از میلاد) جهان را بدرود گفته است. این دوشنبه برابر با ۲۷ ماه رجب است که شب معراج است.

نام مهر در زبان اوستا میثره، در فارسی باستان میسه، در پهلوی میثر، میهر، و سهری، در زبان سعدی مشی، در فارسی و عربی مهر، میر، مسیح، مسیحا، در عبری و ۲- خنده آور است که بر پایه سوء تفاهمی از جمله ای در پلوتارخ گمان شده است که دین مهر را چند دزد دریائی به اروپا برده‌اند؛ پیشوایان دین مهری را magousaioi، مجوسان یا pyrethes «آتش افروزان» میخواندند. (نگاه کنید به F. Cumont, Oriental Religions in Roman Paganism، نیویورک، ۱۹۵۶، صفحه ۱۴۴). شگفت است (یا اگر غرض کومون را در نوشتن کتاب نامبرده در نظر بگیریم، شگفت نیست) که کومون دو صفحه پیش از آن (صفحه ۱۴۲) از پلوتارخ نقل میکند که در یازنان در آسیای کهن رسم و آیین عجیبی برای مهر برگزار میکردند، و آنها این رسم و آیین را به رومیها آموختند؛ اینها «در یازنان» pirata نبودند که رسم و آیین دین بیاموزند، بلکه pyrethes «آتش افروزان» یا پیشوایان دینی بودند، یا شاید pyrathi «پیران» یا «پدران» (بالاترین درجه پیروان مهر) بودند که دین مهر را به رومیان آموختند و سپس در سراسر امپراتوری روم پخش شد.

۳- برای این جنبش و تحول بزرگ جهانی تاریخ نویسان اروپائی در سده نوزدهم، به گمان این که سرچشمه این تحول فرهنگ یونانی پس از جهانگشائی افسانه‌ای اسکندر بوده، نام هلنیسم را تراشیدند.

۴- واژه اوستائی دوتیه «دعوت»؛ نگاه کنید به بار تولومه، ستون ۷۴۹.

۵- در پهلوی تر فان «دوشبست».

مشیه، و به زبانهای اروپائی به صورت‌های **Messie** و **Messiah** و جز آن رفته است.<sup>۶</sup>

\* \* \*

ساسانیان که دشمن اشکانیان و دین اشکانی مهری بودند، همه کوشش خود را به کار بردند (حتی با آشفته کردن سالمر و تاریخگذاری) که آثار مهری را نابود سازند، و کلیسای عیسوی در غرب با زور و نیروی امپراتوران بیزانس، که از این لحاظ از پشتیبانی ساسانیان برخوردار بودند، آن چه از دستشان بر آمد برای محو کردن آثار دین مهری و دیگر گون ساختن حقایق تاریخی انجام دادند. با اینهمه در نوشته‌های شرقی و غربی گواه کافی باز مانده که اکنون با پرتوی که نوشته‌های ترفانی بر روی این موضوع انداخته شخصیت مهر و دین جهانی او جلوه کرده است. از آن چه باز مانده روشن است که دو مسیح در دوعصر ظهور کرده‌اند که یکی از آن دو مصلوب نشده. در تاریخ کلیسای عیسوی به چند فرقه بر میخوریم که میان مسیح و عیسی فرق میگذاشتند و آن دورا از یکدیگر باز می‌شناختند. در خود کتاب مقدس، در رساله دوم پولوس به قرن‌تین، باب یازدهم، آیه چهارم، میخوانیم: «زیرا اگر او که آید سخن فرا گوید از عیسای دیگری که از او سخن نگفتیم یا اگر روان دیگری بپذیرد که پذیرفته بودید یا انجیل دیگری که نه بگرفته بودید نیکو میگردید که با او بردباری کنید، زیرا میدانم که از بزرگترین رسولان اند که هم کمتر نیستم.»

از کتابهای تاریخ که از اوایل دوره اسلامی باز مانده و از تفسیرهای قرآن بر می‌آید که دو پیغمبر ظهور کرده که مسعودی در مروج الذهب نخستین را «السید المسيح» و دومی را «ایشوع ناصری» میخواند.

روایتهای کتابهای تاریخ، از جمله طبری، مسعودی، حمزه، ثعالبی، مقدسی، ابن مسکویه، و ابن اثیر، و تفسیرهای قرآن زایش مسیح مصلوب نشده را در سال ۶۵ ملك اسکندر و سال ۵۱ اشکانی در پادشاهی شاپور (یا اشه پور) پسر اشک و همزمان انتیوخوس سومین پادشاه پس از اسکندر، و مرگ او را ۴۰ سال پیش از ویرانی

۶- کشانیدن واژه‌های مسیح و مشیه به «مسیح»، روغن مالی کردن، از راه ریشه تراشی عامیانه و پیداست که برای غرضهای دینی و تاریخی بوده است.

دوم بیت المقدس گذاشته اند .

ویرانی دوم بیت المقدس به سال ۱۶۸ پیش از میلاد بود . طبری گوید که کودریز پسر اشکان نخستین کسی است که به جنگ بنی اسرائیل رفت بار دوم، و سبب مسلط گردانیدن خداوند او را بر ایشان - چنان که اهل علم ذکر کرده اند - کشتن یحیی پسر زکریا بود . (اصل نام ایرانی او زکریا است .)

مندائیهای جنوب ایران در دشت میشان (نام میشان در نوشته‌های ترفانی هم آمده)، که آنها را صابئین و مسیحیان یحیی نیز میخوانند، ایشو را دروغزن و فریب دهنده<sup>۷</sup> و از روانهای پلید میدانند که کوشش نمود نقش مندای حی (مشی) را بازی کند . پادشاهی میشان اواخر سده دوم پیش از میلاد بنیاد گذاشته شد و بدست اردشیر بابکان برانداخته گشت . گاه شماری مندائی ، که خودشان آن را گاه شماری میشان می‌گفتند ، با زمان مهر آغاز میشود .

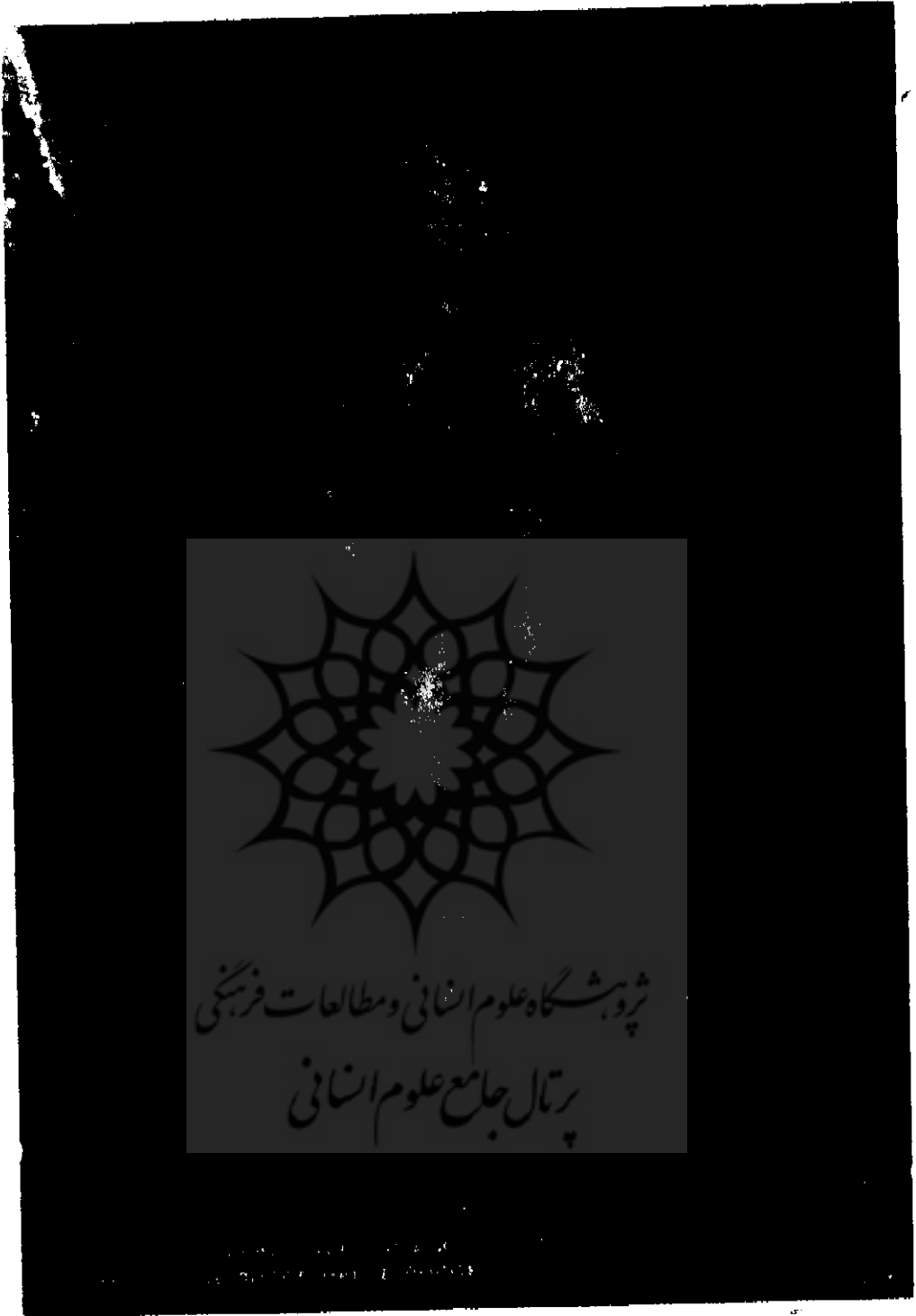
نماینده دیگری از دین مسیحائی ایرانی کلیسای مهری ارمنی است که تا سده چهارم میلادی استقلال خود را حفظ کرده بود و از آن پس با نیرنگ به دین عیسوی غربی گشاییده شد . اصطلاحات دینی ارمنی ، از اصطلاحات رسم و آئین و معتقدات گرفته تا اصطلاحات معماری کلیسائی ، پهلوی اشکانی است .

اشاره‌های قرآن به مسیح بیشتر مربوط به مسیحی‌های مصلوب نشده است ، و نیز این که در قرآن و روایات دیگر یاد شده که نام احمد در انجیل آمده بود در مورد نوشته‌های مسیحائی ایرانی درست است که در آنها از «منوهمید بزرگ» بشارت داده شده، که از این نام پهلوی هم نام «احمد» و هم نام «محمد» خوانده میشود .

#### ۷- در شاهنامه در داستان نوشزاد پسر انوشیروان میخوانیم :

مسیح فریبنده خود گشته شد  
چو از دین یزدان سرش گشته شد  
ولی جالبتر از همه در همین داستان این بیت است:  
چو دوزخ بدانت و راه بهشت  
عزیر و مسیح و ره زرد هشت

همان طور که مسیح دیگری است، یهودی که در قرآن ذکر شده که عزیر را پسر خدا میدانستند (سوره توبه) یهود دیگری سوای قومی هستند که اکنون به نام یهودی شناخته میشوند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

بهار ۱۳۹۰ - شماره ۱  
 از مهرداد کبیری

## در بارهٔ پیکر ۱ -

تندیس مهر روی گل نیلوفر نمایانده شده است. نیلوفر یا آبو بستگی نزدیک با دین مهر دارد. پیروان دین مهریا مسیح اورا پیغمبری میدانستند که دین زردشت رانو کرده؛ از جمله در کتاب تبصرة العوام (نیمهٔ اول سدهٔ هفتم هجری) آمده است که «مانویه گویند عیسی علیه السلام خلق را به زردشت میخواند.» (ویرایش عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۳، صفحه ۱۵)

در نوشته‌های زردشتی در بارهٔ پیغمبری که آمدن اورا زردشت نوید یا بشارت داده بود ذکر شده است که مادر او باید دوشیزه باشد و مرد ندیده باشد و از تخمه یا فرزردشت که در آب نگاهداری میشود آبتن شود. جایگاه این آب در نوشته‌های زردشتی به نام دریاچهٔ کیانسیه یا کانفسه آمده است؛ چون هزارهٔ زردشت به سرآید کوهی است که به نام کوه خدا خوانند و هر سال روز نوروز یا مهرگان بهدینان آنجا دختران خانه را بفرستند تا در آن آب نشینند و سر بشویند. چون آن دختران بیایند پدران و مادران ایشان را نگاه دارند تا آنگاه که وقت دشتان یا بی‌نمازی ایشان باشد. یکی از آن دختران از آن آب آبتن شود؛ چون وقت دشتان باشد آن دختر دشتان نشود. مادر اورا نگاه دارد تا نه ماه برآید و پیغمبر نوید داده شده را بزیاید. (در این باره روایت‌های زردشتی را آقای دکتر صادق کیا در کتاب «ماه فروردین روز خرداد»، شمارهٔ ۱۶ ایران کوده، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۵، صفحه‌های ۲۲ - ۲۴، گردآورده‌اند.)



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## درباره پیکر ۴-

پیکری که گرد سراو را هاله ای از پرتو فرا گرفته و چوبدستی در دست دارد به گمان برخی پیکر زردشت است و برخی دیگر آن را پیکر اهورمزد انگاشته اند. ایستادن او روی گل نیلوفر (چنان که در پیکر ۱ دیدیم) نشان میدهد که پیکر مهر یا مسیحا است. طاق بستان که نمایی از دهانه غار است (نگاه کنید به یادداشت درباره پیکر ۴) و چشمه آب که از کوه بیرون می آید مهري بودن پیکر تراشی طاق بستان را استوار میسازد. رابرت کرپرت **Robert Ker Porter** که در آغاز سده نوزدهم از طاق بستان دیدن کرده این پیکر را مربوط به دین مهر دانسته و جکسن Jackson این را از کرپرت در کتاب خود «زردشت، پیغمبر ایران باستان» نقل کرده است (صفحه ۲۹۰).

(پیکرهای پادشاهان در این صحنه و بسیاری از پیکر تراشیهای دیگر را در ایران و همچنین ویرانههای ساختمانهای بسیاری را که اخیراً اروپائیان به دوره ساسانی نسبت داده اند باید با نظر تازه ای بررسی نمود. بسیاری از آنها از دوره اشکانی هستند و با دین مهر بستگی دارند. بیگمان برخی از آنها در دوره ساسانی نوسازی شده اند.)





شماره اول - بهار ۱۳۹۰ - فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

### در بارهٔ پیکر ۳-

مهرابه‌ها، تا آنجا که دانسته است، معمولاً در غارها یا ساختمانهای تقلید غار یا ساختمانهای زیرزمینی طاقدار برپا میشده است.

سه واژه بخصوص توجه ما را جلب میکند:

(۱) واژهٔ آبه، آوه، یا آوج که در واژه‌های فارسی گورابه («گنبدی را گویند که بر سر قبرها سازند») ، سردابه، سرداب، گرمابه، گرمابه در ترکیب دیده میشود. آوه ساختمانی طاقدار و گنبددار است. این واژه همراه با دین مهر به اروپا رفته و به زبان لاتین و زبانهای دیگر اروپائی درآمده و در انگلیسی به صورت *abbey* مانده است که دیر مسیحی است.

(۲) طاقی (تاکی) که از آن واژهٔ «تکیه» آمده که در سازمانهای دورهٔ اسلامی در تکیه‌های درویشان و در تکیه‌های دیگری که در آنها آئینهای دینی برگزار میشود باز مانده است، چنان که «مهراب» به صورت «محراب» درآمده است.

(۳) واژه برای غار و شکاف کوه از ریشهٔ کلویدن - کافتن - شکافتن است که در زبانهای اروپائی *cave* و در عربی به صورت «کهف» مانده (معنای آن: «غار کوه، شبیه خانهٔ زمین کند و پناه»)؛ اکتهاف: «به کهف در آمدن»؛ و پیروان دین مهر «اصحاب الکهف» میشوند. (نگاه کنید به پیکر ۴ و شرح آن.)

از همین ماده در عربی «عکف» آمده: «گوشه گرفت و نگاه داشت خود را»؛ «اعتکاف»: «خود را بازداشتن و گوشه نشین شدن در مسجد»؛ «عاکف»: «گوشه نشین» *hermit*. اعتکاف و دیر نشین شدن از دین مهر سرچشمه گرفته و در سازمانهای درویشی در شرق و در عیسویت غربی باز مانده است.

روبرو عکس مهرابهٔ زیر کلیسائی در شهر رم است که تندیس مهر (پیکر ۱) در «محراب» آن دیده میشود.



تیکر ۵- مہر و تصحیح کتب  
از مہر اہلہ دورا - اور پوس

پروہشکاد علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## در باره پیکر ۴ -

اصحاب الکهف که در «سورة الکهف» یاد شده اند در همه روایتهای شرقی و غربی مسیحائی بودند. در قرآن آمده که «میگویند سه تن بودند و چهارم ایشان سگشان بود و میگویند پنج تن بودند و ششم ایشان سگشان بود و میگویند هفت تن بودند و هشتم ایشان سگشان بود. قل ربی اعلم بعدتهم.»

در مهرابه ها تندیس مهر باشمارهای گوناگونی از بیروان او نشان داده شده است. برای نمونه، در پیکر ۴ که از مهرابه دورا - اوروپوس است که در سال ۴۸۰ مهربی ساخته یا نوسازی شده، جلوی مهر و گاو یک گروه پنج نفری (سه تن ایستاده و دو تن زانو زده) دیده میشوند. آیا شمار اصحاب الکهف اشاره ای به این گونه پیکرهاست، یا اشاره ای به نمادهای سگ و مار و کلاغ و کژدم است که در این صحنه ها گاهی همه و زمانی برخی از آنها دیده میشوند؟ اکنون بیش از این پاسخی نداریم: ما یعلمهم الاقلیلا.

ولی سگ اصحاب کهف همیشه دو دست خود را در کف بسوی گاو گسترده است: و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید. واژه وصید (مانند حظیره) خود نشان میدهد که غار ساخته بوده و برای مقاصد دینی به کار میرفته است. عکس روبرو از کتاب زیر نقل شده است:

M. J. Vermaseren, Corpus Inscriptionum et Monumento-  
rum Religiones Mithriacae. لاهه، ۱۹۵۶، پیکر ۱۵.



پیکر ۵- مسجد استعاب کهنه  
در افسوس نزدیک ترقان

## در بارهٔ پیکر ۵ -

در تفسیرهای قرآن و روایتهای شرقی و غربی آمده که اصحاب کهف در شهر افسوس به خاک سپرده شدند و بر آرامگاهشان زیارتگاهی ساخته شد: لتخذن علیهم مسجداً.

افسوس نزدیک ترفان (در «ترکستان» شرقی) است، همان جایی که بازمانده‌های نوشته و نقشهای بسیار مه‌ری پیدا شده است.

بعد ها که همه چیز دین مه‌ری یکجا به غرب منتقل شد نام شهرها و رودخانه‌ها و کوهها را نیز از شرق ایران به غرب انتقال دادند و برای آنها «دوقلو» ساختند تا تاریخ آشفته و درهم برهم بشود. از جمله شهر افسوس به Ephesus منتقل شد که مرکز مه‌ری در دین عیسوی غربی گردید و اصحاب کهف را در اروپا به نام «هفت خفته افسوس» میخوانند.

عکس روبرو از مسجد اصحاب کهف در افسوس نزدیک ترفان است که از کتاب زیر نقل شده است:

A. von Le Coq, Buried Treasures of Chinese Turkestan

لندن، ۱۹۲۸، ورقه ۲۳. *پرتال جامع علوم انسانی*